

خواب گزاران خوابگرد!

ماری آنتوانت همسر لوئی شانزدهم آخرین ملکه پیش از انقلاب کبیر فرانسه بود که به عیاشی و ولخرجی و بی اطلاعی از مسائل جامعه اشتها داشت تا جایی که به وی منسوب کرده اند در خلال انقلاب کبیر فرانسه از ندیمه اش پرسید مردم چه می خواهند؟ و آنگاه که شنید مردم گرسنه اند و نان ندارند ملکه از منتهی الیه خیراندیشی (!) می فرمایند:

خوب اکنون که نان ندارند بروند شیرینی بخورند! به اعتبار همین پرت افتادگی می توان «ماری آنتوانت» را در مقام نمادی از برجسته ترین ویژگی سنت روشنفکری در ایران برسمیت شناخت که در حد فاصل روشنفکری سکولار تا روشنفکری دینی این دو نحله اندیشگی را نمایندگی می کند!

برج عاج نشینی و پرت افتادگی و بی اطلاعی و ژاژ خوائی و ناآگاهی از مسائل و مصائب و دردها و دغدغه ها و مطالبات و مناسبات فحول و آحاد و بستر جامعه، «مخرج مشترک» روشنفکران ایرانی در هر دو اردوی روشنفکران سکولار و روشن فکران دین ورز است.

همان هائی که پیشنهادشان به «دغدغه داران نان» سد جوع با رولت خامه ای و دم نوش زعفران است!

پرت افتادگی روشنفکری اعم از دینی و سکولار از مصائب و مشکلات جامعه ایرانی است. چنین روشنفکرانی را باید به چشم افرادی بیمار دید. روشنفکران بیماران جامعه اند! ایشان مبتلایان به شیک ترین و در عین حال صعب العلاج ترین روان پریشی های شناخته شده بالینی اند!

روشنفکری بدین فورمت یعنی ابتلا به آپارتاید اندیشه و سندروم خود خاص بینی و خود ویژه دانی.

نوعی بیماری با تالی فاسد کوبیدن بر طبل جامعه کاستی و متهم کردن تبعی بخشی از جامعه به تاریک فکری بمنظور اثبات و احراز و الحاق و الصاق خود به جامعه به عنوان بخش روشن و فاضل و کامل و برتر جامعه!

یک تکبر فرهنگی که ریشه در شیطان زدگی دارد. (1)

گزارش چندی پیش تلویزیون فارسی BBC از اجرای «نمایشنامه توفان» به اتمام شیرین نشاط و شجاع آذری که بمناسبت چهار صدمین سالگرد درگذشت شکسپیر در ورشوی لهستان بر روی صحنه رفت؛ جدیدترین نمونه از دنیای سانتی مانتال و هوراقلیائی و هیپروتی روشنفکران سکولاری است که بالغ بر 4 سال وقت خود را صرف سمبل شناسی و و تدوین و

تهیه و اجرای داستانی کرده اند که اساساً معلوم نیست ارائه یا عدم ارائه آن چه گلی بر سر مخاطب فارسی زبان زده و یا چه دردی از آلام ایشان می کاهد یا تسکین خواهد داد. (2)

در نقطه مقابل و در جبهه روشنفکران دینی نیز درب بر همین پاشنه می چرخد و علی رغم درخشش اولیه و آغازی نوید بخشانه مع الاسف روشنفکری دینی نیز دولت اش مستعجل بود و درخشش اش محتوم و محکوم به تیرگی!

نظریه شاذ «روایه های رسولانه» دکتر عبدالکریم سروش آخرین دستاورد و جدیدترین حجت و مصداقی مبرهن از بی خبری و پرت افتادگی یکی از شاخص ترین نمایندگان روشنفکری دینی از دنیای واقعیت و عجز ایشان از لمس و درک و حظ دردها و ابتلائات موجود در کف جامعه اسلامی و بلاد مسلمین است.

در موقعیتی که جهان اسلام مبتلاء به هولناک ترین مصائب فرقه گرایانه شده و امواج شر و فتنه زمین و زمان مسلمانان را احاطه کرده و داعش در کف میدان رسماً و علناً با سخیف ترین قرائت ممکن از میانه «صراط های مستقیم مومنان» (3) در حال آدم خواری است! آنگاه در این وانفسا واضع نظریه قبض و بسط شریعت عافیت طلبانه و خُلد آشیانه و جنت مکانه و برج عاج نشینانه همه دغدغه و اهتمام خود را معطوف به آن کرده تا اثبات کند قرآن محصول خواب های رسول الله است نه خوانش وحی توسط حاملان وحی به رسول الله!

در هنگامه ای که جهان اسلام با دهشتناک ترین منازعات فرقه گرایانه دست به گریبان است و امواج فتنه القاعده و طالبان و بوکو حرام و جبهة النصر و داعش، دین و دنیای مسلمین را به فلاکت و هلاکت انداخته ؛ در چنین مهلکه ای معلوم نیست «دکتر» با اصرارش بر خواب آلودگی های رسول الله می خواهند بر کدام یک از دردهای جامعه اسلامی مرهم بگذارند و کدام بار از میانه بارهای طاقت سوز موجود را از شانه های رنجور مسلمین بر زمین بگذارند؟! جز آنکه ایشان می کوشند تا انتقام خود را از آنچه که «سلطه فقیهان و انحصار فقیهان بر اسلام می نامند» بدینوسیله گرفته و با خلق صنفی نوین بنام «خواب گزاران» انحصار مالکانه فقیهان بر دین و قرآن و اسلام رسول الله را بنفع این طبقه نوظهور بشکنند؟!

گیریم «دکتر» موفق هم شدند و قرآن را محصول خواب آلودگی رسول الله جا انداختند (!) در آن صورت آنک باید یک فورماسیون نوین برای این کاست نوین (خواب گزاران) را با ماتریسی نوین و تو در تو از این جماعت نوظهور را چشم انتظاری و مهندسی کنیم؟!

گیریم «دکتر» بدین ترفند فقیهان را در کمند تدبیر نوین خود تسلیم کردند! اما آیا وقت آن نرسیده تا دکتر قبل از کوبیدن بر طبلی

نوین دست به یک بازبینی آسیب شناسانه در آموزه های پیشین خود و آثار و تبعات آن بزنند؟!

آیا «دکتر» قبل از اقبال یا عدم اقبال به خواب های رسولانه، مسئولیت و تبعات آموزه های پیشین خود را بر عهده می گیرند؟! آیا دکتر بدین امر تفتن دارند «قبض و بسط شان» و «صراط های مستقیم» و «تحول مفاهیم دینی» و «پلورالیسم دینی شان» چه آثار و عواقبی را بر ساحت دین و دین ورزی مومنان وارد ساخت؟!

جناب آقای سروش التفات دارند بیرون از بحث نحافت یا مذمت اسلام فقاقت و معیشت اندیش مطروحه شان و بیرون از قوت یا نحافت مبانی اندیشگی شان، تلخ کامانه خروجی و بهره وری و محصول آراء و تولیدات نظری شان نزد مصرف کننده به یک دین تقلیل گرایانه و زیست اباحه مسلکانه به بهانه و تابلوی «قرائت های مختلف از دین» مبدل شده؟!

جناب آقای دکتر سروش!

نیم نگاهی به امت تان و کیفیت زیست مومنانه ایشان بیاندازید. شاگردانی که در پای منبر اوصاف پارسایان در مسجد امام صادق اقدسیه پروراندید اکنون از منتهی الیه شل دینی با توجیه «اختلاف قرائت» خود فریبی می کنند!

قرائت های مختلف تان از دین اکنون نتیجه اش مبدل به اسلام خاکشیر مزاجی شده که بود و نبودش علی السویه است!

از پیروان و مومنان «قبض و بسط تئوریک شریعت» می پرسیم: همه فهم تان از اسلام معرفت اندیش مسموع اما در این میان چرا نماز تان را تارکید؟ چرا روزه تان را بی وقعید؟ چرا حجاب تان را کاشفید؟! چرا اساساً دین تان هیچ سرریزی در رفتار و گفتار فردی و اجتماعی تان ندارد؟ و در تمام موارد به یک جمله قناعت می کنند دائر بر آنکه:

قرائت من از دین با قرائت رسمی از دین متفاوت است!

جناب آقای سروش!

متاسفانه خواسته یا ناخواسته از جوار نظریات پیشین تان محملی را جهت فرار شبه شرعی و شبه عقلی از دین نزد اقشاری تمهید فرمودید تا با تاسی به نظریات ظاهر الصلاح تان خلعت یک شعوبیگری مدرن را بر قامت فقه قدیم «مرجئه» دوخته و بر تن کرده اند و بی عملی خود را با عمل به این دین ورزی مخنث، توجیه فرمائی می کنند! (4)

جناب آقای دکتر سروش!

در فردای لَبیک امت تان به رسول خواب آلود و قرآن خواب زده و

اسلامی چُرَتی، می بایست کدام بدآیندی نوین را چشم انتظاری کرد؟!
جز آنکه این خوابگزاران و کاهنان و تاس ریزان و فالگیران و رمالان
نوین را باید محصول تراوشات یک خوابگردی برج عاج نشینانه از جنس
«ماری آنتوانت» تلقی و محسوب کرد؟!

داریوش سجادی 28 اردیبهشت 1395

- 1_ نگاه کنید به مقاله [ایدئولوژی شیطانی](#)
- 2_ [شکسپیر به روایت هنرمندان ایرانی و لهستانی](#)
- 3_ نگاه کنید به دو مقاله:
«[از صراط های مستقیم تا مستقیم ترین صراط](#)» و «[سروش ناصواب سروش](#)»
- 4 _ نگاه کنید به مقاله «[سکولاریسم نقابدار](#)»